
تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۱۷۳

آیه ۴۲-۴۳

آیه و ترجمه

و الذین آمنوا و عملوا الصلحت لا نکلف نفسا الا وسعها اولئک اصحب الجنة هم فیها خلدون ۴۲

و نزعنا ما فی صدورهم من غل تجری من تحتهم الانهر و قالوا الحمد لله الذی هدئنا لهذا و ما كنا لنهتدی لو لا ان هدئنا الله لقد جاءت رسل ربنا بالحق و نودوا ان تلکم الجنة اورثتموها بما کنتم تعملون ۴۳

ترجمه :

۴۲ - و کسانی که ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند - هیچکس راجز به اندازه توانائیش تکلیف نمی کنیم - اهل بهشتند و جاودانه در آن خواهند ماند. ۴۳ - و آنچه در دلها از کینه و حسد دارند برمی کنیم (تا در صفا و صمیمیت با هم زندگی کنند) و از زیر (قصرها و درختان) آنها نهرها جریان دارد و می گویند سپاس مخصوص خداوندی است که ما را به این (همه نعمتها) رهنمون شد و اگر او ما را هدایت نکرده بود ما (به اینها) راه نمی یافتیم مسلما فرستادگان پروردگار ما حق می گفتند، و (در این هنگام) ندا داده می شود که این بهشت را در برابر اعمالی که انجام می دادید به ارث بردید .

تفسیر :

آرامش کامل و سعادت جاویدان

همانگونه که سابقا اشاره کردیم، روش قرآن این است که برای تاکید مطلب، گروه های مختلف و سرنوشت آنها را در برابر یکدیگر نهاده و بامقایسه

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۱۷۴

به یکدیگر چگونگی وضع آنها را تشریح می کند، در آیات گذشته بحث از سرنوشت منکران آیات خدا و متکبران و ظالمان بود، در اینجا آینده روشن افراد با ایمان را چنین شرح می دهد: کسانی که ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند، اهل بهشتند و جاودانه در آن خواهند ماند (والذین آمنوا و عملوا

الصالحات ... اولئك اصحاب الجنة هم فيها خالدون).

ولی در میان این جمله (یعنی در میان «مبتدا» و «خبر») یک جمله معترضه که اشاره به پاسخ بسیاری از سوالات است بیان کرده، می‌گوید: ما هیچکس را جز به اندازه توانائیش تکلیف نمی‌کنیم (لانكلف نفسا الا وسعها). اشاره به اینکه کسی تصور نکند که قرار گرفتن در صف افراد با ایمان و انجام عمل صالح در دسترس همه کس نیست و جز افراد معدودی قدرت بر وصول به آن ندارند، زیرا تکالیف پروردگار به اندازه قدرت افراد است و به این وسیله راه را به روی همه کس اعم از عالم و جاهل، کوچک و بزرگ و در هر سن و سال گشوده و همه را دعوت به پیوستن به این صف می‌کند، و البته از هر کس به اندازه استعداد فکری و جسمی و امکاناتش انتظار دارد. این آیه مانند بسیاری دیگر از آیات قرآن، وسیله نجات و سعادت جاویدان را منحصر ا ایمان و عمل شایسته معرفی می‌کند و به این ترتیب به عقیده خرافی مسیحیان امروز که وسیله نجات را قربانی شدن مسیح در برابر گناهان بشریت میدانند خط بطلان می‌کشد، اصرار قرآن روی مساله ایمان و عمل صالح در آیات مختلف برای کوبیدن این طرز تفکر و مانند آن است.

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۱۷۵

در آیه بعد اشاره به یکی از مهمترین نعمتهائی که خدا به بهشتیان ارزانی می‌دارد و مایه آرامش روح و جان آنها است کرده، و می‌گوید: کینه‌ها و حسدها و دشمنیها را از دل آنها برمی‌کنیم (و نزعنا ما فی صدورهم من غل). «غل» در اصل به معنی نفوذ مخفیانه چیزی است، و به همین جهت به حسد و کینه و دشمنی که به طرز مرموزی در جان انسان نفوذ می‌کند «غل» گفته می‌شود، و اگر به رشوه نیز غلول می‌گویند به این مناسبت است که نفوذ مخفیانه برای انجام خیانتی می‌باشد. در حقیقت یکی از بزرگترین ناراحتیهای انسانها در زندگی دنیا که سرچشمه پیکارهای وسیع اجتماعی می‌شود و علاوه بر خسارتهای سنگین جانی و مالی آرامش روح را به کلی بر هم می‌زند، همین «کینه‌توزی» و «حسد» است. بسیاری را می‌شناسیم که در زندگی هیچ چیز کم ندارند، تنها رنج و عذاب الیم آنها حسد نسبت به وضع دیگران، و کینه‌توزی است که زندگی مرفه آنها را عرصه تاخت و تاز لشکر اندوه و غم و فعالیت‌های خسته کننده بیدلیل

می سازد.

بهشتیان به کلی از بدبختیهای ناشی از اینگونه صفات برکنارند، نه کینههای دارند و نه حسدی و نه عواقب شوم این صفات زشت، آنها با هم در نهایت دوستی و محبت و صفا و صمیمیت و آرامش زندگی می کنند، همه از وضع خود راضی‌اند، حتی آنها که در مقامات پائینتری قرار دارند نسبت به وضع کسانی که مقام آنها بالاتر است رشک و حسد نمی برند، و به این ترتیب بزرگترین مشکل همزیستی سالم آنها حل شده است.

بعضی مفسران روایتی نقل کرده‌اند که «هنگامی که بهشتیان به سوی بهشت روان شوند، بر در بهشت درختی می بینند که از ریشه آن دو چشمه جاری است،

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۱۷۶

از یکی از آن دو چشمه می نوشند، و تمام کینه‌ها و حسدها از قلب آنها شسته می شود و این همان شراب طهور است، و در چشمه دیگر خود را شستشو می دهند و طراوت و زیبائی در اندام آنها آشکار می شود، به طوری که بعد از آن هرگز ژولیده و رنگ پریده و دگرگون نخواهند شد».

این حدیث گرچه سندش به پیامبر و امامان نرسیده است و تنها یکی از مفسران به نام سدی نقل کرده، اما بعید نیست در اصل از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده باشد زیرا این امور از مسائلی نیست که امثال سدی بتوانند از آن آگاهی یابند، و در هر حال اشاره لطیفی است به این حقیقت که بهشتیان هم از درون شستشو می شوند و هم از برون، هم زیبائیهای جسمانی دارند و هم زیبائیهای روحانی، و هیچگونه حسد و کینه آنها را رنج نمی دهد. خوشا به حال مردمی که در این دنیا نیز بهشتی برای خود بسازند و سینه‌ها را از کینه‌ها و حسدها پاک کنند، و از رنجهای ناشی از آن برکنار گردند. قرآن پس از ذکر این نعمت روحانی، اشاره به نعمت مادی و جسمانی آنها کرده می گوید: از زیر قصرهای آنها نه‌های آب جریان دارد (تجری من تحتهم الانهار).

سپس رضایت و خشنودی کامل و همه جانبه اهل بهشت را با این جمله منعکس می کند که آنها می گویند: حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که ما را به این همه نعمت رهنمون شد و اگر او ما را

راهنمایی نمی‌کرد، هرگز هدایت نمی‌یافتیم این توفیق او بود که دست ما را گرفت و از گذرگاه‌های زندگی عبور داد و به سر منزل سعادت رسانید. (و قالوا الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما كنا لنهتدی لولا ان هدانا الله).
«مسلمما فرستادگان پروردگار ما، راست می‌گفتند و ما با چشم خود درستی

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۱۷۷

گفتار آنها را هم اکنون می‌بینیم» (لقد جاءت رسل ربنا بالحق).
«در این هنگام ندائی بر می‌خیزد، و این جمله را در گوش جان آنها سر می‌دهد که این بهشت را به خاطر اعمال پاکتان به ارث بردید» (ونودوا ان تلکم الجنة اورثتموها بما کنتم تعملون).
بار دیگر به این حقیقت می‌رسیم که نجات در سایه عمل صالح است، نه پندارها و خیالات بی‌اساس.
«ارث» در اصل به معنی انتقال یافتن مال و ثروتی از کسی به دیگری است بدون این‌که قراردادی در میان آنها باشد (یعنی از مسیر طبیعی نه خرید و فروش و مانند آن) و اگر به انتقال اموال میت به بازماندگانش ارث گفته می‌شود، نیز از همین نظر است.

تعبیر به ارث چرا؟

در اینجا یک سوال پیش می‌آید که چگونه به اهل بهشت گفته می‌شود، این نعمتها را به «ارث» در برابر اعمالتان بردید؟
پاسخ این سؤال را حدیثی که از طرق شیعه و اهل تسنن از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده است می‌دهد آنجا که می‌فرماید: ما من احد الا و له منزل فی الجنة و منزل فی النار فاما الکافر فیرث المؤمن منزله من النار و المؤمن یرث الکافر منزله من الجنة فذلک قوله اورثتموها بما کنتم تعملون:
«هر کس - بدون استثناء - جایگاهی در بهشت و جایگاهی در دوزخ دارد، کافران جایگاه دوزخی مومنان را به ارث می‌برند و مومنان جایگاه بهشتی کافران را، و این است معنی گفتار خداوند «اورثتموها بما کنتم تعملون».

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۱۷۸

این حدیث در واقع اشاره به آن است که درهای سعادت و شقاوت به روی

همگان باز است هیچکس از آغاز بهشتی آفریده نشده و نه هیچکس دوزخی، بلکه همه کس استعداد رسیدن به هر دو را دارند، و این اراده خود آنها است که سرنوشتشان را تعیین می کند، بدیهی است هنگامی که مومنان با اعمال خود، به بهشت راه یافتند و افراد ناپاک و بی ایمان به دوزخ، جای خالی هر کدام به طور طبیعی در اختیار دیگری قرار خواهد گرفت.

و به هر حال این آیه و این حدیث یکی از دلائل روشن نفی جبر و طرفداری از اصل آزادی اراده است.